


Mahvshah Shahegh, "A Separation: Nader and Simin,"
Iran Nameh, 27:1 (2012), 230-235

بررسی فیلم جدایی نادر از سیمین

مهوش شاهق

مترجم و مدرس زبان فارسی

Mahvshah Shahegh
mshahegh@yahoo.com 

شهر، خانه و خانواده در سینمای ایران

مهوش شاهق دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه تهران دریافت کرد. او مدرس زبان فارسی در کالج دماوند (۱۳۵۱-۱۳۵۲)، دانشگاه آزاد (۱۳۵۵-۱۳۷)، میدل ایست انستیتوت (۱۹۹۱-۱۹۹۶)، و دانشگاه جان هاپکینز (۲۰۰۱-۲۰۰۴) بوده است. برخی از نوشته‌های ایشان عبارتند از یادگیری زبان فارسی خواندن، نوشتن و صحبت کردن (۲۰۰۷) و هایکو در چهار فصل (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳).



با فیلم‌های اصغر فرهادی آشنایی نداشتم تا وقتی که دوستی لینکی از فیلم جدایی نادر از سیمین را برایم فرستاد و با جمعی از دوستان به تماشای آن نشستیم. البته قبلاً شنیده بودم که این فیلم از طرف کشور ایران برای شرکت در جایزه اسکار ۲۰۱۲ نامزد شده است.

فیلم همانطور که از اسمش بر می‌آید داستان جدایی نادر از سیمین است یا بهتر است گفته شود "جدایی سیمین از نادر" چون این سیمین است که به دلائلی که ذکر خواهد شد خواستار جدایی‌ست و نه بر عکس. خانواده نادر و سیمین شامل نادر، سیمین و یک دختر یازده ساله است به نام "ترمه" افزون بر این، پدر نادر هم که پیر و دچار بیماری فراموشی (آلزایمر) است با آنها زندگی می‌کند و بهتر است بگوییم آنها در خانه پدر زندگی می‌کنند. این خانواده حدود شش ماه پیش موفق به گرفتن ویزایی از یک کشور خارجی می‌شوند که کجا بودن آن تغییری در داستان نمی‌دهد. از اعتبار این ویزا فقط ۴۰ روز باقی مانده و زن خانواده (سیمین) در تمام این مدت کوشش کرده که همسرش را به این مهاجرت تشویق کند بدون هیچ نتیجه‌ای. سرانجام موضوع را به دادگاه می‌برد و اولین سکانس فیلم در پاره صحبت آنها با قاضی دادگاه است. شوهر ظاهراً مخالفتی با جدایی ندارد ولی حاضر نیست که اجازه دهد "ترمه" با مادرش از آنجا خارج شود و مادر هم بدون دختر حاضر به ترک وطن نیست.



دلیل امتناع نادر از این مهاجرت، پدر اوست که نمی‌تواند همراه آنها برود و نادر هم نمی‌خواهد در چنین شرایطی او را رها کرده و ترک وطن کند. سیمین هم پس از همه تلاش‌های ناموفق و معوق ماندن حکم دادگاه، سرانجام تصمیم می‌گیرد که برای مدتی به خانه پدریش باز گردد. ولی "ترمه" با مادرش نمی‌رود و پهلوی پدر می‌ماند. بعدها در می‌یابیم که علت ماندن "ترمه" با پدرش این بوده که می‌دانسته سیمین بدون او از کشور خارج نمی‌شود و قصدش از این کار برگرداندن آنها به هم بوده است. پس از این که سیمین خانه را ترک می‌کند، نادر ناچار می‌شود خانم جوانی را که بچه پنج ساله‌ای





راضیه (ساره بیات) و حجت (شهاب حسینی) در جدایی نادر از سیمین

خود دارد. در بقیه داستان هم می بینیم که این پدر را همچون مجسمه‌ای شال و کلاه می‌کنند، در ماشین می‌گذارند، دور خیابان‌ها می‌گردانند چون کسی در خانه نیست که از او مراقبت کند.

مسئله رویارویی بین کهنه و نو و وزنی که در فرهنگ ایران به کهنه/ سنت داده می‌شود تنها منحصر به تاریخ مدون نیست بلکه نمونه‌های آن در اساتیر و در شناسنامه ملی ایرانیان "شاهنامه" نیز به چشم می‌خورد. جایی که سهراب به جنگ پدر می‌رود و باتمام جوانی و زور و نوئی مغلوب پدر که نماد تجربه و سنت است می‌شود. در حالی که در یونان، ادیپوس به

هم دارد استخدام کند که در غیاب نادر از پدرش نگهداری کند. بقیه داستان فیلم، قصه برخوردهایی است که بین این دو خانواده، کارفرما و کارگر که طبیعتاً نماینده دو طبقه مختلف در جامعه هستند رخ می‌دهد و مانند فیلم دیگر اصغر فرهادی درباره‌ی الی همه چیز با یک طرح ساده شروع شده و به تدریج پیچیده و پیچیده‌تر می‌شود تا جایی که تماشاگر با خود می‌اندیشد که چه چیز دیگری ممکن است اتفاق بیفتد که هنوز پیش نیامده و دیگر این که چگونه کارگردان می‌خواهد و می‌تواند که همه جریانات و زیر و بم‌های داستان را به هم نزدیک کرده و به نقطه پایان برساند.

نماهایی از فیلم جدایی نادر از سیمین (اصغر فرهادی، ۱۳۸۹)



آنچه که قصد است در این جا مطرح و درباره آن بحث شود، محتوای داستان است. به نظر می‌رسد که موضوع اصلی در این فیلم، رودرویی کهنه و نو، سنت و نوگرایی و سرانجام خرد و اندیشه در مقابل احساس باشد. تمام تراژدی از آنجا شروع می‌شود که نادر کهنه‌گرایی، سنت و احساس را بر خردگرایی و نواندیشی برتری می‌دهد و پدرش را بجای همسر و دخترش انتخاب می‌کند. پدر پیر مبتلا به فراموشی در این فیلم، نماینده سنت، کهنه‌گرایی و احساس است. در سکانس آغازین فیلم هم سیمین همین موضوع را به نادر یادآوری می‌کند. سیمین می‌گوید که تو بین پدرت و خانواده‌ات که من و دخترت باشی، پدرت را ترجیح داده‌ای. پدری که دیگر نمی‌فهمد که تو پسرش هستی و نادر در جواب می‌گوید من که می‌فهمم که او پدر من است. پدری که دیگر نه او را می‌شناسد، نه حرف می‌زند و نه آگاهی چندانی از دور و بر



نادر (پیمان معادی) و سیمین (لیلا حاتمی) در جدایی نادر از سیمین

بی سبب نیست که فردوسی هم شاهنامه را با ستایش جان و خرد می آغازد: به نام خداوند جان و خرد. بنابراین خردگرایی ریشه‌های عمیق در فرهنگ و ادیان ایرانی دارد.

نکته دیگری که شاید بتوان از طریق این فیلم به آن پرداخت اینکه در جامعه های سنتی نظیر جامعه ایران باید به مردم تفهیم کرد که محبت فقط نزدیک هم بودن، قربان صدقه رفتن و زندگی خود را برای دیگران هدر دادن نیست بلکه با خرد و عقل می توان راه‌های بهتری یافت که برای هر دو طرف ماجرا سودمندتر و مناسب‌تر باشد.

کشورهای پیشرفته دنیا اگر به تأسیس تسهیلات و خانه‌هایی برای افراد مسن و دچار فراموشی اقدام کرده‌اند به این جهت نیست که کمتر از شرفیان سنتی، پدر و مادر خود را دوست دارند، بلکه زندگی ماشینی و خردگرایی آنها را بدین ره رهنمون بوده است.

موضوع قابل توجه دیگر در این فیلم این که این زن خانواده بود که می‌خواست به خارج مهاجرت کند. اگر مساله بر عکس بود، پدر به راحتی از لحاظ قانونی می‌توانست دختر خود را بر دارد و بدون رضایت مادر از کشور خارج شود. پرسش عمیق‌تر و مهم‌تر اینکه اصلاً زنی می‌تواند بدون ملامت و سرزنش دیگران برای مراقبت از پدر سالخورده و مریضش در ایران بماند، از همراهی امتناع کند و با شوهر و دختر خود راهی نشود؟ اعتقادات مذهبی عمیق، ریشه‌دار و سازنده مردم ساده

جنگ پدر می‌رود، او را از پای در می‌آورد و با مادر ازدواج می‌کند؛ پیروزی نو بر کهنه، نوگرایی بر سنت و کهنه‌گرایی.

و باز هم در مذهب و هم در حماسه ملی ایران آمده که در زمان با هم‌زیستی ایرانیان و هندیان، اهورا میترا که خدای مهر، خورشید و پیمان بود، خدای مشترک هر دو قوم شمرده می‌شد. به هنگامی که زرتشت در ایران و میان ایرانیان پیامبری خود را آشکار کرد، نخستین اقدامش به زیرآوردن اهورا میترا و بالابردن اهورا مزدا بود که خداوند خرد است؛ یعنی اعتلای خرد و عقل و ارزش بی‌شمار قائل شدن برای آن.

نماهایی از فیلم جدایی نادر از سیمین (اصغر فرهادی، ۱۳۸۹)





Golden Bear
61st Internationale
Filmfestspiele
Berlin



NADER AND SIMIN

A SEPARATION

A FILM BY ASGHAR FARHADI



A FILM BY ASGHAR FARHADI WITH LEILA KATAMI PEYMAN MOAADI SHAHAD ROUSSEINI SAREH BASHI SARINA FARHADI BAHAR KHANIMI ALI ASGHAR SHAHBAZI SHIRIN YAZDANBAKHSHI KIMIA ROUSSEINI AND MERILJA ZARU • NADER AND SIMIN, A SEPARATION • WRITTEN AND DIRECTED BY ASGHAR FARHADI DIRECTOR OF PHOTOGRAPHY MAHMOOD CALABI EDITOR NAYEBER SAFFARI COSTUME DESIGNER MOHAMMAD REZA DELPAAZ SOUND EDITOR REZA BARIMZADEH SET DESIGNER KEYVAN MOGHADAM COSTUME DESIGNER KEYVAN MOGHADAM MAKE UP MESHROB MIRJANI EXECUTIVE PRODUCER NEGAR ESKANDARIAN PRODUCER ASGHAR FARHADI INTERNATIONAL SALES MEMENTO FILMS INTERNATIONAL WITH THE PARTICIPATION OF DREAMLAB FILMS DEVELOPER WITH THE SUPPORT OF THE MARK APSA ACADEMY FILM FUND AN INITIATIVE OF THE MOTION PICTURE ASSOCIATION AND THE ASIA PACIFIC SCREEN AWARDS

پوستر فیلم جدایی نادر از سیمین برای شصت و یکمین جشنواره بین المللی فیلم برلین

و پاکدل معمولی، مسأله دیگری است که در این فیلم می تواند بیننده را تحت تأثیر قرار دهد. فقط اعتقاد مذهبی دور از شائبه راضیه (خدمتکار) مانع او از پذیرفتن پولی که مطمئن نبود که حق آنهاست، شد. راضیه با تمام نیازش، فشارهای شوهرش و امکان آینده بهتری برای دخترش با آن پول، چون مطمئن نبود که مقصّر اصلی چه کسی بوده است حاضر نشد که به قرآن سوگند بخورد و در نتیجه شوهر و زندگی‌اش را از دست داد. از این می توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در اعتقادات مذهبی بی‌شائبه و نه از سر ریا، اخلاقیات هم می تواند محلی از اعراب داشته و در تهذیب جامعه اثرگذار باشد. شاید باز هم کارگردان فیلم خواسته ادعای دین‌داری و زهد به قول حافظ آنهايي که در محراب و منبر جلوه‌گری کرده و در خلوت آن کار دیگر می‌کنند و با پیش آوردن دین، از زیان کسان به سود خود استفاده می‌کنند را رو در روی اعتقادات مذهبی این مردم ساده‌دل و پاک‌نهاد قرار دهد.

پایان فیلم همچون بیشتر فیلم‌های کارگردان پیش‌کسوت ایرانی عباس کیارستمی به عهده بیننده گذاشته شده است. بینندگان می‌توانند تمام دلایل را بر موجه بودن عقیده‌شان ابراز دارند و هنوز هم عقیده شخص آنها به حساب می‌آید و نه واقعیت. نکته دیگری در فیلم که به عهده بیننده گذاشته می‌شود، پولی است که از صندوق خانه نادر ربوده می‌شود. در این مورد هم می‌توان ساعت‌ها به بحث نشست که کار چه کسی بوده است. باز هم نظیر فیلم‌های کیارستمی، بیننده مدت‌ها بعد از تماشای فیلم به آن فکر می‌کند و داستان و صحنه‌ها را در خاطرش مرور.

از نظر تکنیکی این فیلم بسیار خوب تدوین شده است، حتی یک صحنه زائد و یا تکراری در آن دیده نمی‌شود. همه صحنه‌ها و سکانس‌ها به یکدیگر مربوط بوده و مکمل هم هستند. از نظر تصویری، از فضا به بهترین نحو برای نشان دادن محتوای داستان استفاده شده؛ فضاها همه تنگ، در بسته و فشرده هستند و به خوبی نمایانگر اختناق و در تنگنا زندگی کردن و از حرکت بازماندن مردمان آن خطه. بازی‌ها هم آنچنان طبیعی و ماهرانه صورت می‌گیرد که فیلم رابیشتر شبیه به یک فیلم مستند می‌کند تا یک فیلم داستانی به‌طوری که بیننده فکر می‌کند بازیگران مشغول بازی نقش واقعیشان در صحنه زندگی هستند. از میان همه بازی‌های موفق، بازی ساره بیات (راضیه) و بازی شهاب حسینی (حجت شوهر راضیه) در نهایت هنرمندی و توانایی است. ای کاش این بازی‌ها از زیرچشم دست‌اندرکاران جایزه اسکار نادیده رد نشود.

